

● عباس جلیلیان (ناکو)

مروری بر ادبیات کودک و نوجوان در زبان کردی

براستی نوشتن در باب «ادبیات کودک» کاری ساده نیست و نیاز به تحقیق و تفحص بسیاری دارد. و از آنجا که ادبیات کودک «با گرایش به زبان کردی» مقوله‌ای است کاملاً هدفمند و اساسی و ریشه در پرورش افراد کارآمد با گرایش‌ات (ادبی - ملی) دارد، سخت‌تر به نظر می‌رسد. از آنجا که سخن گفتن و اندیشیدن در مقیاس یک کودک برای فرد بزرگسال دشوار و گاه ناممکن می‌نماید، این جنبه‌ی ادبیات در میان کودکان صورتی کاملاً شفاهی و گفتاری به خود گرفته است و کارهایی که در این زمینه ارائه شده‌اند به دلیل نقص بیان و تصویر مبهم و گاه ساده‌گویی که نتیجه‌ی ناتوانی شاعر یا نویسنده است، آن را در قالب ادبیات کودک ارائه می‌کنند که ضعف خود را سرپوش گذارند، در حالی که هر شعر آهکی و ساده یا هر ایما و اشاره‌ی بی‌محتوا و خالی از تصویر خیالی و گاه واقعی نمی‌تواند نماد ادبیات کودک باشد.

از آنجا که قسمت عمده‌ی فولکلور کردی (متاسفانه) شفاهی است، مدرک قابل استنادی برای ارائه موجود نمی‌باشد. با این حال حتی نوپردازان و داستان‌نویسان ما توانسته‌اند کاری ارائه کنند که حتی در حد و اندازه‌های همان داستان‌ها و یا اشعار فولکلور کردی باشد، زیرا پردازشگران آن داستان‌ها و اشعار، مادران بی‌سواد اما پر احساس و پرورش یافته‌ی «مکتب شفاهی» و سینه به سینه می‌باشند. اگر نگاهی گذرا به این مکتب پر احساس و گیرا داشته باشیم در می‌یابیم که از سه بخش عمده تشکیل یافته که خود الگویی کاملاً علمی دارد و بنا به نیاز کودک و موقعیت او در اجتماع و خانواده و شرایط سنی دستخوش تغییرات شگرفی می‌شود.

نخستین گام «لالائی» است، زمانی که کودک تنها مجذوب چهره و رفتار و حرکات مادر می‌شود، بی‌آنکه درکی درست از گفتار مادر داشته باشد و مادر با تغییر «تون» صدا و چهره و گاه حرکات و جدآور و بوسیدن... کودک خود را وادار به آرامش و متوجه خود می‌کند و در گفتار خود تمام عناصر محیطی و ملموس را به کار می‌برد و از طبیعت و زیبایی و دلاوری و گاه آرزوهای دور و دراز خود سخن می‌گوید. «لاوه لاوه» که در فارسی «لالائی» گفته می‌شود واژه‌ای کاملاً کردی است به معنی لاوه یا جوان و

نوجوان . به این لاوه لاوه دقت کنید :
لاوه لاوه گه م ته رای یه ی تلفی
شه مال بشانو و زه نجیره ی زلفی

لاوه لاوه گه م له ئیواره وه
زره ی زه نگ مه یوو له گافاره وه

لاوه لاوه گه م نه رگس فاتمه
ده نگ کورم له خه و هاتمه

لاوه لاوه گه م لاوه م بهر باری
کی بووده پاوه ق، کورم ژن باری

لاوه لاوه گه م ، گول زافه ران
کورپه کوره گه م گرتیه ده زۆران

لاوه لاوه گه م لاوه م له دله
بالشت کورم له په ره ی گوله

کوره گه م چیه وه شار هه ولیر
گولا و باوه ری ، ژن پی بکه ی سۆر

کوره گه م چیه وه شار بوکان
تا شال باوه ری ، په ری ده زۆران

این بخش از لالایی همان طور که از ریتم و آهنگ

آن پیداست برای آرام کردن و خوابانیدن نوزاد است ، در حالی که بخش ذیل برای بیدار کردن و یا شیر دادن گفته می شود:

ماله یله گه ی وه روپشت
وبژنگ بارن ته رای گووشت
کورپه کوورم که لی کووشت

ماله یله گان مالدان تاوا
کامدان کورم گرینه زاوا

کورم کورم کورانه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

هه سه ل له دار برانه

دویه ت وه فیکه چرانه

و یا این مورد که پس از شیر دادن جهت سر حال آمدن نوزاد و تا حدی هم جنبه‌ی بازی و تفریحی دارد و ریتمیک و تا حدی به سروده‌های حماسی می‌ماند. به وزن و ریتم دقت کنید:

ده ردت که قتیله هازم

هه فت ژن نه رات بخوازم

یه کی به یگلره به گی بوو

یه کی هوومای پوری بوو

یه کی دری له گووشی

یه کی مانگا بدووشی

یه کی نازار باوان

یه کی کورپه له داوان

یه کی چه رمی ده سه و لس

یه کی کوور په تگ رس

در این سه مثال کوتاه، دنیایی از تصویر و آرزوهای دور و دراز با زبانی ساده و ریتمیک پردازش شده که مسلماً گوینده‌ی آن، در هیچ آکادمی علمی معتبری پرورش نیافته ولی می‌تواند به این زیبایی نوزاد خود را به وجد بیاورد و به او تلقین می‌کند که چه آرزوهایی را پیش پایش می‌گذارد. پس او باید زنده بماند و به این خواسته‌ها جامه‌ی عمل بپوشاند. مرحله‌ی دوم دوران خردسالی است در این دوره تاریخ مصرف لاوه لاوه تمام شده و کودک نیاز به دنیایی پر شور دارد. نیاز به قهرمانی فنا ناپذیر، دنیایی جنجالی. در این زمان «مه تل» پا به عرصه‌ی ذهنی کودک می‌گذارد و در قالب یک موضوع پر احساس، دنیای کودک را لبریز از عشق و نفرت خدا و بندگی راستی و مردی و... می‌کند. در این زمان کودک با آموزگاری دیگر درس را به پایان می‌برد. مادر بزرگان صبور و خوش سخن و دوران دیده که تجربیات خود را با زبان ساده ولی پر احساس و گیرا به کودک تفهیم می‌کنند و به او می‌آموزند که راستی و درستی چه عاقبت خوشی دارد و دوستی و خدا جوئی شجاعت و پاک دامنی همیشه برگ برنده‌ی قهرمان داستان است. قهرمان داستانهای کودکان شخصیتی دگماتیستی و منزوی نیست، بلکه همیشه در تکاپو و جنگ و دادخواهی است. از داستان «مه لگ مامه د» گرفته تا «هه فت برا»، «نه وینه» «شه مون»، «کوسه وزیمه لپه ر»، «بالول»، «مه لگ جه مشیر» و... در همگی این داستان‌ها نشانه‌های بزرگی و قهرمانی، شاهی و سروری، حق و حقیقت جوئی به چشم می‌خورد. این استاد تازه هم در هیچ آکادمی یا دانشگاهی داستان نویسی را نیاموخته. مرحله‌ی سوم و استاد سوم شب نشینی‌های پس از فراغت کار است که با گفتن «چه و چه» یا چیستان تکمیل می‌شود.

چیستانهای کردی شباهت بسیار به شیوه‌ی اشعار عرفانی دارند، البته نه از نظر پیام شعر بلکه از نظر تامل و تعقل. بدین معنی که شنونده که اکنون کودکی هشت یا ده ساله است باید حتی روی واژگان به کار برده در شعر بیاندیشد و پاسخ حقیقی را مکاشفه کند. این مرحله از زندگی کودک خلاف مراحل پیشین است. در این جا سخنی از امید و آرزو نیست. قهرمان پروری و شجاعت در کار نیست، بلکه تامل و تعقل است و نه چیز دیگر. به چند مثال زیر دقت کنید:

۱

ئه رت عاقلی عه قلد ها له سه ر
ئه وه کام مه له هه فت بال و دوو سه ر
مه لان هزاران په ر دار و بی په ر
وه لام ئه و مه له وشکه و قاق و له ر

۲

ئه گه ر فام دیری فامد له هۆره
کام له ی مه له یله وه هار وه شیره

۳

ئافه رین جهان ئافه رین جهان
عه قل و هووش خاسه په ری هه ر ئسان
یه ی نه فه ر له یان یه ی نه فه ر له وان
سه ریان مه که نن وه زوور ته کان
و بدین ترتیب چیستان ، فلسفی تر ، تصاویر بیشتر و ایجاز و تشبیه و... قدرتمندتر می شود.

۴

که فته نم ده ر ویر که فته نه م ده ر ویر
عه جایب چشتی که فته نه م ده ر ویر
سافه ن چۆ شیر ما سفیده ن چۆ شیر
رووح بدنه تازه ، قه لب به ده ن گیر
عاله م مه پووشو له ته نخوای به رگی
ئه و به رگه ته نپووش ها له توو جه رگی
ئه سرین له سوومای دیده ش مه ریزوو
خوه ر هم له شه وق شویه له ش مه بیزوو
ئه گه ر تو مانای ئی شیعه ر واتی
خودا بزانی باب خلاتی

این استاد هم پرورش یافته یا تحصیل کرده هیچ کدام از مکاتب شعری نیست ولی با قدرت تمام و با زبان تصویر و اشاره چیستان خود را در قالب شعر عرضه می دارد و کودک را وادار به تفکر می کند. اگر برآیند سه مرحله زندگی کودک را به دست بیاوریم متوجه چند نکته می شویم:

۱- کودک کیست؟

اگر ما این شخصیت را که همان کودک است در سن ۳ تا ۵ سال فرض کنیم ، فیزیولوژی و ذهنیت او در محیط اطرافش خلاصه می شود و ذهن کاوشگر او را به خود می خواند و آرزوهای خود را در

مرز برآمدگی‌های فلسفی و عرفانی و... نمی‌بیند و ذهن خود را در دنیای خیال و توهم درگیر می‌کند و دوست دارد آنچه را که می‌بیند و می‌شنود تنها واقعیت عریان و خشک نباشد، بلکه آلوده به خیال و رنگ و بوی غیرواقعی باشد و طبیعت و سرشت او ایجاب می‌کند که دنیا با همه ی مکانیزم و تأثیراتش دلخواه ذهن لطیف و خیال پردازش باشد.

۲- دوران رشد جسمی و عقلی: که عبارت از شکل‌گیری اندام حسی و حرکتی و گفتاری، انجام دادن کارهای معمول یک کودک، ادای درست واژگان و صیقل کاری واژگان، انجام بازی و شرکت در کارها و بازیهای گروهی و حتی اظهار نظر در مورد افراد و یا وسایل خریداری شده مطابق با سلیقه و فهم خود و...

۳- مضامین اشعار و داستانها: آنچه پیداست و در بالا به آن اشاره شد، مضامین اشعار و داستانهای کودک جدای از ادبیات بزرگسال نیست، بلکه چندین مورد اضافه تر دارد که باعث رشد و ترقی او در زمینه ی فکری می‌شود و از آنجا که مستندات قابل ذکر نیست بر طبق ادبیات فولکلور چند خصوصیت را نام می‌بریم:

الف: عرضه مسائل روشنفکری و مجموع فاکتورهای که با این مقوله در ارتباط است و کودک در مدت طی کردن دوران خود با آن سر و کار دارد.

ب: لحن و گفتمان و محتوای اشعار یا داستانها مطابق با شرایط سنی کودک.

پ: عنوان کردن مسائل اخلاقی و دینی، قهرمان پروری در این مقوله‌ها.

ت: حس ناسیونالیستی موجود در داستانها و اشعار که بنا بر موقعیت هر ایل و تباری تغییر می‌کند.

د: تفکر و تامل در اطراف و اشخاص که حول محور زندگی کودک است و مواردی دیگر که در حوصله ی این مجال نیست.

و اما ای کاش دوستان ما که در این زمینه مشغول فعالیت می‌باشند، می‌توانستند نوشته‌های خود را به تصاویری ذهنی همراه و مانوس سازند. اصولاً کودک امروزی مانند بزرگسالان امروزی تبیل نیست که حتی وقتی برای خواندن کتاب‌های مورد علاقه‌شان نمی‌گذارند. وجود تصویر در کنار نوشته‌ها به کودک این امکان را می‌دهد که پیوند بیشتری برقرار کند، به گونه‌ای که اگر یکبار آن را برایش بخوانید، با وجود اینکه سواد او برای خواندن ندارد اما تمام کلمات شما را با توجه به تصویر موجود بازگو می‌کند. گاه از خود می‌پرسد آیا ما (کردان) در زمینه ادبیات کودک آثاری به چاپ رسانده‌ایم یا خیر؟ شاید این سؤال ذهن دوستان ما را مشغول کرده باشد و در پاسخ باید گفت بله و به نسبت خود کارهای زیادی به چاپ رسیده که قابل تامل است و در پایان به عنوان یک بیوگرافی از آثار منتشر شده در باب ادبیات کودک بدان اشاره می‌کنیم که در کتاب «نه ده بی مندالانی کورد» نوشته ی «حه مه که ریم هه ورامی» آمده است:

۱- نوره‌دین زازاد (۱۹۱۹-۱۹۹۸) دو داستان به نام‌های (کوردیه‌کن) و (شیری ته ین نه‌حه دی خانی)
 ۲- شاکر فح تاح (۱۹۱۴-۱۹۸۸) کتاب (چیروک بو مندالان - ۱۹۳۳) و (هاوری مندالان ۱۹۴۸)
 ۳- عومه ره بدولره حیم نه مین (۱۹۲۰-۱۹۹۳) کتابهای (شه و چه‌ره ی زستان ۱۹۶۸) و (دل له گول ناسکتره ۱۹۷۸)

۴- فه‌ره یدون عه لی نه مین (۱۹۷۲) کتاب‌های ۱- (به‌رخوله و کوتره کیویله و مندال) ۲- (پیاوه بچکوله که)

۳- (جووجه له‌وری) ۴- (چوله که بو رزگار بوو) ۵- (کاکه‌تالان مارهات- ماری‌هنگ و ژارهات) ۶-

(تامی تامی- که‌نمه شانی) ۷- (پشکو و شیرکوشه ریانه- له‌سه‌ره‌نکی زه‌نگیانه) ۸- (زه‌نگوله)